

لباسی ببوشیم که نشانه حفظ عفت باشد

احمد عدالتیان| به مناسبت روز عفاف و حجاب، آیه ۵۹ سوره احزاب را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيبِهَا ذَلِكُمْ أَذْنُ أَنْ يَفْرُغْنَ فَلَا يُوْذَنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو چادرهایشان را بر خود فرو پوشند[تا بدن و آرایش و زیورهایشان دربرابر دید نامحرمان قرار نگیرد.] این [پوشش] به اینکه[به عفت و پاکدامنی] شناخته شوند، نزدیک‌تر است و درنتیجه[ازسوی اهل فسق و فجور] مورد آزار قرار نخواهند گرفت و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است.» این آیه، معروف‌ترین آیه قرآن کریم درباره حجاب اسلامی است و در آن از کلمه «جلباب» استفاده شده است؛ یعنی پارچه بلندی که تمام بدن و سر و گردن را می‌پوشاند. زنان در زمان پیامبر اسلام (ص) در پوشاندن خود از نامحرم، دقت نمی‌کردند و این آیه به زنان مؤمن می‌گوید که از جلباب خود به‌درست استفاده کنند.

آیه‌فوق که فرمان حجاب می‌دهد، باتهدید مطرح نشده است، بلکه فلسفه حجاب را چنین تبیین می‌کند که زنان و دختران، اگر بخواهند از متلک‌ها، تهمت‌ها، تهاجم‌ها و تهدیدهای افراد آلوده و هرزه درامان باشند، باید خود را بپوشانند.

نکته مهم آیه، این است که پوشش گفته‌شده را با این هدف معرفی می‌کند که زنان به عفت و پاکدامنی شناخته شوند، یعنی نوعی لباس مردم در جامعه، می‌تواند معرف شخصیت، مکتب و هدف آن‌ها باشد. پس استفاده ازلباسی که نشان دهد برای تأمین عفت و آبرو پوشیده شده است، لازم و ضروری است تا بهانه‌ها به دست بیمارزدلان و مزاحمان عفت عمومی داده نشود.

حکمت

چرا تغییر کردن سخت است؟

علیرضا وکیلی| تقریباً همه ما این چرخه را تجربه کرده‌ایم؛ با انگیزه‌ای زیاد تصمیم می‌گیریم از فردا آدم متفاوتی باشیم، می‌خواهیم ورزش را شروع کنیم، کمتر عصبانی شویم، نمازمان را اول وقت بخوانیم، کمتر در فضای مجازی بمانیم یا مهربان‌تر با همسر و فرزندمان رفتار کنیم اما چند روز یا چند هفته بعد، دوباره به همان عادت‌های قبلی برمی‌گردیم. تکرار این شکست‌ها، کم‌کم خطرناک‌تر از خود شکست است، چون انسان را به این باور می‌رساند که «من تغییرناپذیرم، من درست نمی‌شوم» و این، آغاز ناامیدی است.

واقعیت این است که مشکل بیشتر ما آدم‌ها، کمبود انگیزه نیست، بلکه اشتباه در روش تغییر است. ما می‌خواهیم یک شبه به قله برسیم، اما از پله اول خسته می‌شویم، روان‌شناسان می‌گویند مغز به عادت‌های قدیمی، وفادار است و هر تغییر بزرگی را تهدید تلقی می‌کند، به همین دلیل، تصمیم‌های بزرگ اما ناگهانی، معمولاً عمر کوتاهی دارند.

پیامبررحمت‌ومهربانی می‌فرماید: «قَلِيلٌ يَذُومُ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مُنْطِقٍ، کم‌پیوسته، بهتر است از زیاد بریده‌بریده.» تغییر، از درون آغاز می‌شود، از تصمیم‌های کوچک اما مداوم، نه از هیجان‌های زودگذر.

رهروان نیست گهی تند و گهی خسته رود

رهروان است که آهسته و پیوسته رود

اگر می‌خواهید تغییری ماندگار باشد، اندازه آن را کوچک کنید. به جای اینکه بگویید «از فردا هر روز یک ساعت ورزش می‌کنم، یا ۱۰ دقیقه شروع کنید، به جای اینکه تصمیم بگیرید «دیگر هیچ وقت عصبانی نشوم»، تمرین کنید فقط یک بار در روز قبل از پاسخ دادن، ۱۰ ثانیه سکوت کنید. دوم، تصمیم‌هایتان را به زمان و مکان مشخص، گره بزنید، مثلاً نگویند «بیشتر قرآن می‌خوانم»، بگویید «بعد از نماز مغرب، پنج دقیقه قرآن می‌خوانم.» عادت‌ها وقتی به یک موقعیت مشخص متصل شوند، ماندگارتر خواهند شد.

و نکته آخر اینکه هر بار که لغزیدید، خودتان را بازنده ندانید. شیطان دوست دارد بعد از اولین شکست، انسان را از ادامه راه ناامید کند، درحالی‌که رشد، حاصل برخاستن‌های مکرر است، نه زمین نخوردن.

خدا از ما نخواست است یک شبه کامل شویم؛ از ما خواسته است هر روز حتی یک قدم، به سمت بهتر شدن حرکت کنیم. گاهی همان قدم کوچک، آغاز بزرگ‌ترین تغییر زندگی است.

سیره بزرگان

مرجعی که به استقبال رهبر شهید انقلاب رفت

علیرضا وکیلی| در تاریخ حوزه‌های علمیه، گاه رفتار بزرگان، بیش از سخنان آن‌ها پیام دارد. یک حرکت کوتاه، یک احترام برخاسته از معرفت و یک حضور بی‌ادعا گاه حقیقتی را آشکار می‌کند که با ده‌ها تحلیل نمی‌توان آن را بیان کرد. مرحوم آیت‌الله‌العظمی محمدتقی بهجت، از عارفان و مراجع کم‌نظیری بود که اهل شهرت و تشریفات نبود، دیدارهایش محدود، سخنانش اندک بود و واقتش بیشتر صرف عبادت، تدریس و تربیت نفوس می‌شد. از همین رو، هر رفتار او برای شاگردان و اهل معرفت معنا داشت. یکی از این رفتارهای معنادار، نحوه تعامل ایشان با امام شهید انقلاب، آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، بود، تعاملی که احترام، صمیمیت و شناخت عمیق از جایگاه ولایت را به‌روشنی نشان می‌داد.

نقل شده است که آیت‌الله بهجت برای ملاقات‌های طولانی، افراد بسیاری را نمی‌پذیرفت و زمان خود را به آسانی در اختیار کسی قرار نمی‌داد. باین حال، رهبر معظم انقلاب هرگاه در سفرهای خود، به‌ویژه در ساعات خلوت شب یا سحر، به شهر قم مشرف می‌شدند، از دیدار این عارف وارسته بهره‌مند می‌شدند. این ملاقات‌ها غالباً به دور از هیاهوی رسانه‌ای انجام می‌گرفت و گاه ساعت‌ها ادامه داشت، نشانه‌ای از رابطه‌ای که فقط برپایه آشنایی ظاهری نبود، بلکه بر احترام متقابل و پیوندی عمیق، استوار بود.

اوج این احترام در سفر رهبر انقلاب به قم در سال ۱۳۷۹ جلوه‌ای ویژه یافت. با وجود آنکه مرحوم آیت‌الله بهجت در حدود نود سالگی قرار داشت، در میان جمعیت استقبال‌کنندگان حاضر شد. حضور یک مرجع بزرگ، کهولت سن و جایگاه ممتاز علمی و معنوی او، این استقبال را به صحنه‌ای کم‌نظیر تبدیل کرد. هنگامی که از ایشان پرسیدند با این سن و سال چرا در میان جمعیت حاضر شده‌است، پاسخ داد: «اگر مردم می‌دانستند استقبال این سید[رهبر شهید انقلاب] چقدر ثواب دارد، هیچ‌کس در خانه نمی‌نشست.» این جمله، فقط یک اظهار محبت نبود، بلکه بیانگر نگاه عمیق آیت‌الله بهجت به جایگاه رهبری دینی و ولایت در عصر غیبت بود. از زبان عارفی که عمر خود را در تهذیب نفس، عبادت و سلوک گذرانده بود، چنین تعبیری معنایی فراتر از یک احترام معمول داشت. رفتار او نشان داد که معرفت حقیقی، انسان را به تکریم جایگاه ولایت می‌رساند و هرچه مقام معنوی انسان بالاتر باشد، تواضع او در برابر حق، آشکارتر خواهد شد.

شاید به همین سبب است که این صحنه، سال‌ها پس از رحلت آیت‌الله بهجت، همچنان در حافظه شاگردان و علاقه‌مندان ایشان زنده مانده است؛ صحنه‌ای که در آن، مرجعی بزرگ با همه عظمت علمی و عرفانی خود، در میان مردم ایستاد تا از «این سید» استقبال کند و با رفتار خود، درسی ماندگار از ولایت‌مداری و فروتنی به یادگار بگذارد.

شهریار

انشبه
۲۱ آذر ۱۴۰۵
۲۱ محرم ۱۴۲۸
شماره ۲۸۵

۱۴



مهریار

محرم؛ فرصتی برای بازتعریف حجاب

محرم فقط موسم سوگواری نیست، بلکه زمانی برای بازسازی ارزش‌های اخلاقی و انسانی در زندگی فردی و جمعی است. از همین منظر، حجاب و عفاف نیز در این ماه، نباید صرفاً به‌عنوان مجموعه‌ای از باید‌ها و نبایدها معرفی شود، بلکه باید در قالب یک ارزش انسانی، هویتی و معنوی بازخوانی شود. آنچه فضای محرم و صفر را برای این تبیین مناسب می‌کند، پیوند عمیق آن با مفاهیمی مانند عزت، حیا، وقار و مقاومت و الگویی مانند زینب کبری (ص) است. اگر در این فضا، زبان تبیین از «الزام» به «معنا» تغییر پیدا کند، مخاطب حجاب را نه یک تحمیل بیرونی، بلکه یک انتخاب آگاهانه و محترمانه خواهد دید؛ به همین دلیل، ایام محرم و صفر می‌تواند حجاب را از یک بحث صرفاً فقهی به یک مسئله فرهنگی و تربیتی ارتقا دهد.

حضرت زینب (ص)، الگوی عفاف مقتدر

در میان همه نمادهای محرم، شخصیت حضرت زینب (ص) برجسته‌ترین الگوی پیوند میان عفاف و قدرت است. ایشان از سخت‌ترین شرایط، نه تنها وقار و حیا را حفظ کردند، بلکه با همان صلابت، پیام کربلا را به تاریخ رساندند. این تصویر، یک بازتعریف مهم از حجاب به دست می‌دهد؛ حجاب نه نشانه ضعف، بلکه نشانه تسلط بر خویش، حفظ کرامت و ایستادگی در برابر تحقیر است. در جهان امروز که گاه پوشش دینی با انفعال یا محدودیت یکی گرفته می‌شود، بازخوانی سیره حضرت زینب (ص) می‌تواند این کلیشه را بشکند. معرفی این الگو در منبرها، محافل زنانه، تولیدات رسانه‌ای و روایت‌های هنری، کمک می‌کند تا جامعه، حجاب را نه مانع حضور، بلکه پشتوانه عزت و کنشگری زنانه ببیند.

از زبان دستور تا زبان معنا

یکی از آسیب‌های رایج در ترویج حجاب، غلبه زبان دستوری و بازدارنده است. وقتی همه چیز در قالب «نباید» و «حرام است» بیان شود، احتمال مقاومت ذهنی و عاطفی مخاطب افزایش می‌یابد. در مقابل، اگر تبیین حجاب بر پایه معنا، زیبایی، انتخاب و کرامت انسانی شکل بگیرد، زمینه پذیرش بسیار بیشتر خواهد شد. در فضای محرم، این تغییر زبان اهمیت مضاعف دارد؛ زیرا دل‌ها در این ایام، آماده‌تر و عواطف انسانی فعال‌تر است. به جای تأکید بر اجبار، می‌توان از ادب حضور، هم‌دلی یا کاروان حسینی و انتخاب آگاهانه سخن گفت. وقتی به مخاطب گفته شود پوشش متین، نشانه احترام به خویش و همراهی با ارزش‌های عاشورایی است، حجاب از یک «تکلیف تحمیلی» به «رفتاری معنادار» تبدیل می‌شود.

بازخوانی معنای عفاف و حجاب با الگوی زینبی در گفت‌وگو با معصومه‌سادات هاشمی، مدرس حوزه علمیه

حجاب؛ پشتوانه عزت و کنشگری زنانه

حسین ابراهیمی| ایام محرم و صفر، بسیاری از مفاهیم دینی و اخلاقی بار دیگر در فضای عمومی جامعه پررنگ می‌شود؛ مفاهیمی که اگر درست روایت شوند، می‌توانند از سطح توصیه‌های تکراری فراتر بروند و به یک تجربه زنده و اجتماعی تبدیل شوند. به مناسبت روز عفاف و حجاب در گفت‌وگو با معصومه‌سادات هاشمی، پژوهشگر و مدرس حوزه علمیه خراسان و دانش‌آموخته سطح ۴ رشته تفسیر تربیتی، به این موضوع پرداخته‌ایم که چگونه می‌توان از ظرفیت معنوی و فرهنگی محرم و صفر برای تبیین دوباره مفهوم حجاب و عفاف بهره برد.

گفت‌وگو

عفاف و حجاب؛ پشتوانه اعتماد به نفس

برخلاف تصور رایج، ترویج درست عفاف و حجاب، می‌تواند به تقویت خودباوری زنان منجر شود؛ دلیل این مسئله آن است که حجاب، اگر آگاهانه فهم و انتخاب شود، زن را از مدار شیء‌انگاری بیرون می‌آورد و به‌سوی سوژگی و کنشگری سوق می‌دهد. در این نگاه، زن دیگر صرفاً موضوع نگاه دیگران نیست، بلکه خود تعیین می‌کند که چگونه دیده شود و بر چه ابعادی از هویتش، تأکید شود. همچنین حجاب، معیار ارزش را از ظاهر به باطن منتقل می‌کند و اعتماد به نفسی پایدارتر می‌سازد؛ زیرا نکیه بر ظاهر، همواره شکننده و وابسته به زمان و سلیقه دیگران است. وقتی باور درونی و رفتار بیرونی همسو شوند، نوعی یکپارچگی روانی شکل می‌گیرد که یکی از پایه‌های مهم آرامش و اعتماد به نفس عمیق به‌شمار می‌آید.

آرامش معنوی در سایه ادب حضور

یکی از کارکردهای کمتر دیده‌شده حجاب در ایام محرم، ایجاد حس خلوت و حضور معنوی در دل جمعیت است. در این فضا، حجاب می‌تواند برای بانوان، نوعی حریم امن ایجاد کند؛ حریمی که به آن‌ها اجازه می‌دهد با تمرکز بیشتری در عبادت، دعا و تأمل شرکت کنند. اگر پوشش در این ایام نه صرفاً به‌عنوان ظاهر بیرونی، بلکه به‌عنوان نشانه‌ای از ادب حضور در محضر اهل بیت (ع) فهم شود، خود به‌خود به آرامش روحی پیوند می‌خورد. این آرامش از جایی می‌آید که رفتار بیرونی با باور درونی، هماهنگ می‌شود و پوشش، معنایی فراتر از عادت روزمره پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، حجاب از یک امر صرفاً ظاهری به «نیایشی خاموش» تبدیل می‌شود؛ نیایشی که در آن، احترام به فضای معنوی با احترام به خویش، گره می‌خورد.

الگوی عزت، زیبایی و مهربانی

یکی از موانع مهم فرهنگی در مسیر ترویج عفاف کلیشه‌هایی است که درباره زنان محجبه وجود دارد. از تصور بسته‌بودن و تحمیل‌پذیری گرفته تا برتری جویی اخلاقی. مقابله با این کلیشه‌ها بیش از هر چیز، نیازمند الگوهای ملموس و انسانی است. جامعه، زمانی نگاه خود را تغییر می‌دهد که زن محجبه را در قامت فردی فرهیخته، خوش‌بین، آراسته، مهربان و اثرگذار ببیند. در ایام محرم نیز این الگوها می‌توانند حضوری پررنگ‌تر داشته باشند؛ الگویی از بانوانی که عفاف را با عزت، زیبایی‌شناسی و وقار رفتار همدلانه همراه می‌کنند. در این صورت، حجاب دیگر یک دیوار میان آدم‌ها نخواهد بود، بلکه به زبان احترام، کرامت و انتخاب تبدیل خواهد شد. آنچه بیش از هر تبلیغی بر ذهن جامعه اثر می‌گذارد، شخصیت درخشان کسی است که حجاب را با اخلاق و آگاهی، همراه کرده است.

نقش بی‌بدیل آیت‌الله‌العظمی شهید خامنه‌ای در ارتقای معرفت دینی ایران

ایشان در سخنرانی تاریخی خود در کنگره جهانی حضرت رضا (ع) که چشنی در معارف و کلام امامیه بعد از انقلاب اسلامی بود، تصریح می‌کنند: «ما اگر بخواهیم یک حکومت اسلامی به‌وجود بیاوریم، امکان ندارد بدون اینکه مردم را با معارف دینی‌اششناکرده باشیم، بتوانیم امید داشته باشیم که یک حکومت به‌وجود بیاید، بنابراین اول کار این است که معارف دینی به مردم تعلیم داده بشود.»

در این راستا، رهبر شهید انقلاب با نگاه به آینده در مسیر ایجاد جهش در ادراک و عمل دینی مردم می‌گویند: «اولین درس عملی، موضوع (مهدویت) این است که نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است... انسان‌های ما بوس نمی‌توانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام دهند. آن چیزی که انسان‌ها را وادار به کار و حرکت می‌کند، نور و نیروی امید است. اعتقاد به مهدی موعود، دل‌ها را سراسر از نور امید می‌کند. برای ما که معتقد به آینده حتمی ظهور مهدی موعود (عج) هستیم، این یاسی که گریبان‌گیر بسیاری از نخبگان دنیاست، بی‌معناست. ما می‌گوییم نه خیر، می‌شود نقشه سیاسی دنیا را عوض کرد، می‌شود با ظلم و مکر قدرت ظالمانه، درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکان‌پذیر است، بلکه حتمی است.»

و جهش ملت ایران را بر معرفت دینی و اسلام ناب، بنا کنند و آموزه‌های قرآن و اهل بیت (ع) را برای باور به ضرورت «جهش» لازم می‌دانستند. نگاهی به بیانات و دیدگاه‌های ایشان درباره دو نمونه از مسائل اسلامی یعنی سیره و معارف رضوی و همچنین فرهنگ مهدوی و انتظار، نقش ایشان در ایجاد جهش در معرفت دینی را آشکارتر می‌سازد.

مبارزه دائمی خستگی ناپذیر

یکی از معروف‌ترین تعابیر رهبر شهید‌مان درباره امام رضا (ع)، این جملات است: «پیام زندگی علی بن موسی‌الرضا (ع) چیست؟ ما که نباید فقط به مرقد امام علی بن موسی‌الرضا اظهار ارادت کنیم، او امام ماست، زندگی او برای ما درس است. از زندگی او باید درس بگیریم؛ زندگی او برای ما یک پیامی دارد، امت، بخشی از ناظران و تحلیلگران، راه‌حل توسعه همه‌جانبه ایران را توجه به برخی الگوهای خارجی در شرق و غرب می‌دانستند، چرا که آنان توانسته بودند تأثیرات شگرفی بر دیگر ملل از لحاظ اقتصادی و فرهنگی بگذرانند. اما رهبر شهید انقلاب ضمن اذعان و حتی تأکید بر استفاده از تجارب شرق و غرب در علم و فناوری، مصمم بودند که نقطه عزیمت



نویسنده و پژوهشگر دینی
نهم دهستان

قرار می‌گرفت؛ چرا که ایشان راه غلبه بر عقب‌ماندگی‌ها و کاستی‌ها و تبدیل شدن ملت ایران و جهان اسلام را به الگو، «جهش» در تمام حوزه‌ها می‌دانستند. ایشان بر این باور بودند که پیمودن مسیر رشد و پیشرفت به صورت عادی در کنار سرعت تحولات و اقدامات رقیبان و دشمنان، کمک‌چندانی نخواهد کرد و رضایتی به دنبال نخواهد داشت. در نگاه خامنه‌ای شهید همان‌طور که پیروزی نهضت اسلامی و وقوع انقلاب اسلامی، خود یک «جهش» اساسی در تاریخ ایران، اسلام و تشیع و بلکه تاریخ معاصر جهان بود، زمینه‌ساز اصلاح و تغییر و رشد در ایران شد، تداوم مسیر و نیز فائق آمدن بر نارسایی‌های تاریخی و ملی و دینی با «جهش» در معرفت و عمل، ممکن است.

در طول حیات و دوره حکمرانی قائد شهید امت، بخشی از ناظران و تحلیلگران، راه‌حل توسعه همه‌جانبه ایران را توجه به برخی الگوهای خارجی در شرق و غرب می‌دانستند، چرا که آنان توانسته بودند تأثیرات شگرفی بر دیگر ملل از لحاظ اقتصادی و فرهنگی بگذرانند. اما رهبر شهید انقلاب ضمن اذعان و حتی تأکید بر استفاده از تجارب شرق و غرب در علم و فناوری، مصمم بودند که نقطه عزیمت

امام شهید انقلاب آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، از عالمان برجسته‌ای بود که فارغ از مقام سیاسی، به‌عنوان یک فقیه و مرجع تقلید و متفکر و صاحب‌نظر بزرگ اسلامی، نه تنها در رشد فهم و معرفت دینی مردم نقش بزرگی ایفا کرد، بلکه توانست در آن، جهشی چشمگیر ایجاد کند. او از مشهد و از جوار امام رضا (ع) برخاست و در مشهد نیز در کنار امام روف (ع) آرام گرفت. تأثیر امام رضا (ع) و سیره و معارف رضوی بر تفکر و شخصیت شهید آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، بسیار مهم و قابل توجه است. همان‌گونه که امام رضا (ع) در عهد خود با بهره‌مندی از تمام لحظات و تبدیل چالش‌های پیش‌روی امامت و تشیع جمعیت حاضر شده‌است، پاسخ داد: «اگر مردم می‌دانستند استقبال این سید[رهبر شهید انقلاب] چقدر ثواب دارد، هیچ‌کس در خانه نمی‌نشست.» این جمله، فقط یک اظهار محبت نبود، بلکه بیانگر نگاه عمیق آیت‌الله بهجت به جایگاه رهبری دینی و ولایت در عصر غیبت بود. از زبان عارفی که عمر خود را در تهذیب نفس، عبادت و سلوک گذرانده بود، چنین تعبیری معنایی فراتر از یک احترام معمول داشت. رفتار او نشان داد که معرفت حقیقی، انسان را به تکریم جایگاه ولایت می‌رساند و هرچه مقام معنوی انسان بالاتر باشد، تواضع او در برابر حق، آشکارتر خواهد شد.

معرفت دینی و اسلامی، لازمه جهش ایران
تعبیر و توصیه به «جهش» در بیانات امام شهید انقلاب، به خصوص در سال‌های اخیر، در حوزه‌های گوناگون مورد تأکید

درنگ